

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سوال

قلب به معنای عقل

(ترجمه)

به جواب محمد امین

سوال:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

امیر محترم ما، می‌خواهم سوال ذیل را مطرح کنم: در قرآن کریم و احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم، واژه‌های «قلب» و «قلوب» بارها در ارتباط با عمل تفکر و اندیشیدن به‌کار رفته‌اند به گونه‌ی مثال الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا﴾ [حج: 46]

ترجمه: آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؟

چرا چنین است؟ مگر مرکز تفکر، مغز همراه با واقعیت‌هایی که از طریق حواس درک می‌شوند نیست، چنان‌که ما در حزب آموخته‌ایم؟ در واقع، این موضوع از نظر علمی نیز ثابت شده است. بنابراین، واژه‌های «قلب» و «قلوب» را در ارتباط با فرایند تفکر چگونه باید فهمید؟

از این‌که برای پاسخ‌گویی به پرسش من وقت می‌گذارید، الله سبحانه و تعالی به شما جزای خیر عطا فرماید!

جواب:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

واژه «قلب» در اصل به همان عضو شناخته‌شده‌ای اطلاق می‌شود که در بدن انسان قرار دارد... اما این تنها معنای این واژه نیست؛ بلکه «قلب» به معنای دیگری نیز به‌کار می‌رود که یکی از آن‌ها عقل است. این معنا از قرینه‌ها و سیاق سخن فهمیده می‌شود.

۱. در «لسان العرب» اثر ابن منظور افریقی مصری آمده است: «قلب، پاره‌گوشتی از فؤاد است که به رگ بزرگ قلب آویخته است. ابن‌سیده می‌گوید: قلب همان فؤاد است و واژه‌ای مذکر می‌باشد؛ لحيانی نیز صراحتاً چنین گفته است؛ جمع آن «أَقْلُب» و «قُلُوب» است که صورت نخست از لحيانی نقل شده است.

در مورد این سخن الله سبحانه و تعالی:

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ﴾ [شعراء: 193]

ترجمه: روح الامین آن را نازل کرده است.

زجاج گفته است: معنای آن این است که جبرئیل علیه‌السلام آن را بر تو نازل کرد، سپس قلب تو آن را فرا گرفت و در آن استوار گردید؛ به‌گونه‌ای که هرگز آن را فراموش نمی‌کنی.

گاهی نیز واژه «قلب» به معنای عقل به‌کار می‌رود. فراء در مورد این سخن الله سبحانه و تعالی:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ [ق: 37]

ترجمه: در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد.

گفته است: یعنی برای کسی که عقل داشته باشد. فراء می‌گوید: در زبان عربی جایز است که گفته شود: «مَا لَكَ قَلْبٌ؟»؛ یعنی چرا عقل نداری؟ یا گفته شود: «مَا قَلْبُكَ مَعَكَ؟»؛ یعنی عقل تو با تو نیست، همچنین می‌گویند: «أَيْنَ ذَهَبَ قَلْبُكَ؟»؛ یعنی عقل تو

کجا رفته است؟ دیگری گفته است: منظور از ﴿لَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ کسی است که دارای فهم و تدبیر باشد. همچنین از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که فرمودند:

«أَتَاكُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ، هُمْ أَرْقُ قُلُوبًا وَالْيَمَنُ أَفْنَدَةٌ»

ترجمه: مردم یمن نزد شما آمده‌اند؛ آنان دل‌هایی نرم‌تر و فوادهایی لطیف‌تر دارند.

در این حدیث، «قلوب» به رقت و «افنده» به نرمی توصیف شده‌اند؛ و چنین به نظر می‌رسد که واژه «قلب» از لحاظ کاربرد، معنایی خاص‌تر از «فواد» دارد...

۲. در کتاب «الصحاح فی اللغة» اثر جوهری آمده است: «قلب، همان فواد است و گاهی به معنای عقل نیز به‌کار می‌رود. فراء درباره این سخن الله سبحانه و تعالی:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ [ق: 37]

ترجمه: در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد.

گفته است: یعنی کسی که عقل داشته باشد...

۳. در «القاموس المحيط» اثر فیروزآبادی آمده است: «قَلْبُهُ يَقْلِبُهُ؛ یعنی آن را از جهت و حالت خود برگرداند؛ مانند «أَقْلَبُهُ» و «قَلْبُهُ». همچنین به معنای اصابت به فواد نیز آمده است و هنگامی که درباره چیزی گفته شود «قَلْبُهُ»، یعنی آن را پشت‌ورو و از یک جانب به جانب دیگر گرداند... «قلب» به معنای فواد، یا معنایی خاص‌تر از آن و نیز به معنای عقل و خالص و جوهر هر چیز آمده است... و با ضمه «قَلْب»، به معنای دست‌بند زن و نیز مار سفید به‌کار رفته است...

امیدوارم همین مقدار کافی باشد و الله سبحانه و تعالی دانایان و حکیم‌تر است.

برادران عطاء بن خلیل ابوالرشته

۳۰ صفر ۱۴۴۸ ه.ق.

برابر با ۱۳ آگست ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام